

گفت‌وگویی صبا با عوامل فیلم مستند «قوی‌دل»

قهرمانی که از دل مردم بر



اکران فیلمهای مستند در گروه هنر و تجربه

مریم عظیمی
گفت‌وگو

در سال جدید با اثری متفاوت و موفق به نام «قوی‌دل» ادامه دارد. قوی‌دل که برنده سیمرغ بلورین بهترین مستند از جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۲ نیز شده با کارگردانی علی فراهانی صدر و تهیه‌کنندگی سعید الهی به زندگی احمد قویدل مدیر عامل کانون هموفیلی ایران و نقش وی در پرونده موسوم به خونهای آلوده می‌پردازد. در ادامه گپ‌وگفت خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

سعید الهی:

اتصال فکری میان کارگردان و تهیه‌کننده

یک ضرورت است

سعید الهی کارشناس سینما و رسانه دارای تحصیلات تکمیلی در حوزه علوم ارتباطات اجتماعی است و با ۲ مستند بلند با موضوعات اجتماعی و دفاع مقدس «هشتادی‌ها» و «پرنده‌ها درخت را فراموش نمی‌کنند» تهیه‌کنندگی را در عرصه سینمای مستند تجربه کرده است. وی تهیه‌کنندگی مستند «نیمه بلند زومرهای ایرانی» و فیلم سینمایی «میرو» به کارگردانی حسین ریگی را نیز در کارنامه خود دارد. با مقالات و نقدهایی که از الهی، در رسانه‌های تصویری و مکتوب دیده‌ایم و همچنین با قبول تهیه‌کنندگی مستند «قوی‌دل» در راستای تولیداتی که در کارنامه خود به ثبت رسانده‌است نشان می‌دهد که همواره دغدغه سینما و موضوعات اجتماعی را دارد.

در آئین رونمایی مستند «قوی‌دل» به ضرورت تشکیل سینمای ملی اشاره کردید. نقش موثر مستندهای اجتماعی در شکل‌گیری سینمای ملی چیست؟

سالهاسست که بحث سینمای ملی و چرایی ضرورت شکل‌گیری آن در هر مجلس و محفلی شنیده می‌شود اما شاید کمتر به مولفه‌های اصلی آن از درون خود سینما، از جمله توجه به مستندهای اجتماعی با سوژه‌های متنوع و مردمی توجهی صورت می‌گیرد و باید هشدار داد که غفلت از مستندهای اجتماعی جفای بزرگی در مسیر شکل‌گیری سینمای ملی است. این در حالیست که اغلب کارشناسان دانشگاهی سینما معتقدند همان‌گونه که تکیه بر کهن‌الگوها به اقتدار و انسجام یک فیلمنامه کمک خواهد کرد در تولید فیلم داستانی نیز ساخت یک مستند با همان سوژه و قبل از ورود به عرصه سینمایی، موجب تقویت پژوهش و استحکام فیلم خواهد شد. سینمای داستانی پر مخاطب، مردم‌پسند و اندیشه‌ورز در واقع می‌بایست با الهام از مستندهای اجتماعی با موضوعات و دغدغه‌های متناظر درون جامعه ساخته شود و این امر بر ضرورت گسترش مستندات سینمایی صحنه می‌گذارد. گرچه بخش عمده‌ای از هنر سینما به تخیل هنرمند و ذهن و توانمندی شخصی سینماگر متکی است اما می‌توان با برخی روش‌ها مانند تولید مستند قبل از نگارش فیلمنامه شرایط بهره‌برداری صحیح از ایده‌ها و افزایش مخاطب و در نهایت ارتقای گردش اقتصادی یک فیلم داستانی را فراهم کرد. مستندهایی که مصلحانه و منصفانه به آسیب‌ها و مسائل مبتلا به اجتماع می‌پردازند علاوه بر تامین نظرات علاقه‌مندان به حوزه مستند، در واقع چارچوب تهیه یک فیلم ملی را آماده کرده و در اختیار فیلمساز قرار می‌دهند.

چه شد که برای تولید این اثر به یک کارگردان دهه هفتادی اعتماد کردید؟

علی فراهانی صدر را از زمان نمایش یکی از مستندهایش بنام آسوده بخواب کوروش در جشنواره سینماحقیقت شناختم و به نوعی او را زیر نظر داشتم! او جوان مستعد و با انگیزه‌ای بود که شیوه روایت‌اش در آن مستند نظر مرا به او جلب کرد. با وجود تمام موانعی که پیش‌بینی می‌کردم موفق شدیم طرح «قوی‌دل» را در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربه‌ی به تصویب برسانیم و با حمایت جناب حمیدی مقدم و آقای دکتر خزاعی جلورفتیم. من شاید در همان روزهای نخست پس از خوانش فیلم‌نوشت مستند متوجه شدم که این فیلم از جمله آثار خاص سال‌های اخیر خواهد شد، لذا به فراهانی و نظراتش اعتماد کردم. اتصال فکری میان کارگردان و تهیه‌کننده یک ضرورت است و اعتماد متقابل من و فراهانی با هم بر سر مفاهیم و نحوه اجرای مستند از عوامل اصلی موفقیت «قوی‌دل» بود. انتخاب کارگردان جوان دهه هفتادی با روحیات خاصی که دارند به شدت تردیدآمیز بود ولی انعطاف فراهانی در پذیرش نظرات بنده و آمادگی برای بحث‌های مفصل کارشناسی این فاصله سنی و یا شکاف نسلی را کاملاً متعادل کرد. مطالبه‌گری قانونی و خارج از کف خیابان‌ها و حرکت در جهت اثبات ظرفیت نظام قضایی کشور برای رسیدگی عادلانه به خواسته‌های مردم جزو مشترکات فکری من و آقای فراهانی بود. لذا پس از شنیدن روایات آقای قویدل می‌بایست بهترین شیوه را برای تبیین این دغدغه که هم‌وجه مردمی

داشت و هم‌وجه حاکمیتی انتخاب می‌کردیم.

جوایز سینمایی بر تیم سازنده یک اثر چه تاثیری می‌تواند بگذارد؟

بی‌تردید هر جشنواره‌ای ضمن نشاط آفرینی فرهنگی عامل ترغیب و تشویق فعالان هنری برای آفرینش و خلق بهتر از آثار بعدی‌شان است اما این رویدادها و جوایز نباید ملاک اصلی برای یک تولید مردمی باشند. اصل در فرایند تولید، دیده شدن توسط اقشار مختلف مردم، روشنگری و حتی ایجاد برای سرگرمی است. لذا با توجه به رشد تکنولوژی و تغییر قاب‌های عرضه فیلم در سراسر دنیا، باید از ابتدای تولید به انواع نمایش آن در سکوها و بسترهای مختلف اینترنتی، سینمایی، تلویزیونی و... فکر شود. حال چه آن فیلم جایزه بگیرد و چه موفق به کسب آنها نشود. با اینکه شاهد سیاستگذاری‌های دوراندیشانه و آینده‌نگرانه مدیران دولتی هستیم اما آشنایی برخی فیلمسازان نوبا با کارکردهای فیلم مستند و نقش پیشروی آن در جوامع رو به توسعه و مدرنی همچون ایران ناکافی است و تبیین این مسائل و ارتقای سطح دانش جامعه مستندسازان از طریق برگزاری نشست‌های پژوهشی در اقصی نقاط کشور و برای همه اقشار که حتی با استفاده از یک گوشی تلفن همراه امکان ساخت یک فیلم مستند دارند امری کاملاً ضروریست. در انتهاها مسئولان در خواست دارم با اهتمام ویژه نسبت به هنرمندان خارج از پایتخت، شرایط فعالیت آنان در تولید مستند را مهیا نموده و شعار عدالت فرهنگی دولت سیزدهم را در عمل بیش از پیش به اجرا بگذارند.

علی فراهانی صدر

سرپوش گذاشتن روی اتفاقات منجر به بحران‌های

بزرگ می‌شود

علی فراهانی صدر کارگردان فعال در حوزه مستند، برنامه‌تلویزیونی و داستانی است و کارگردانی مستند را با «عشق رسد به فریاد» آغاز کرده و با آثاری مانند «آسوده بخواب کوروش»، «یک ملت»، «چه سفرها»، «جان و تن» و در انتهاها مستند «قوی‌دل» ادامه داده است.

علت انتخاب این سوژه چه بود؟

سال ۹۸ وقتی با آقای رستم آبادی نویسنده اثر در مورد اتفاقات آن سال یعنی چه بحث هواپیمای اوکراینی و چه ورود کرونا به ایران صحبت می‌کردیم این مسئله ما را به یک درون‌مایه و تمی رساند. اینکه سرپوش گذاشتن روی اتفاقات کوچک منجر به بحران‌های بزرگ می‌شود. معتقد بودیم که جای خالی مستند داروهای آلوده در ایران به شدت حس می‌شود خبر در آن زمان وقتی داروهای آلوده وارد ایران شدند یک عده روی آن سرپوش گذاشتند، حقیقت را نگفتند و منجر به بحران شد. پژوهشگر کار آقای آرش خلیلی در روند پژوهش گفتند که هر جای پرونده دست می‌گذارم به اسم آقای احمد قویدل بر می‌خورم. ما آقای قویدل را به دفتر دعوت کردیم، چند جلسه با هم گفت‌وگو داشتیم و در این بین به زندگی شخصی ایشان رسیدیم، آنجا بود که درون مایه کار را عوض کردیم. درست است که بحران در هر کشوری وجود دارد ولی اساساً واکنش انسان‌ها به این بحران‌ها برای ما مهم است اینکه در مواجهه با این بحران‌ها حرکت می‌کنند یا راکد می‌مانند آنجا بود که تصمیم گرفتیم سناریو را عوض کنیم و به سمت پرتره آقای قویدل برویم.

در باره سبک مستند «قوی‌دل» نظرات متفاوتی وجود دارد، خود شما اثر تان را در چه سبکی تعریف می‌کنید؟

عده‌ای مستند «قوی‌دل» را داکویدرام می‌نامند و عده دیگری به خاطر نوع بازسازی‌ها، داستانی می‌دانند. من هم نمونه کاملاً مشابهی در مستندهایی که چه در عرصه جهانی و یا ایران دیدم نیافتم اما از نظر من این مستند یک داکویدرام پرتره است.

در مورد بعد کمدی و چاشنی طنز اثر برای مان بگویید.

من جواب این سوال را با سوالی از خود شما آغاز می‌کنم. مسلماً شما هم در زندگی تان روزهای بحرانی داشته‌اید آیا در آن روزهای بحرانی اصلاً نخندیده‌اید؟

چرا حتی در اوج بحران ممکن است یک مسئله پیش و پا افتاده مرا به خنده بیان‌دازد.

اساساً زیست یک انسان همین است یعنی بدین شکل نیست که ما بگوییم امروز کاملاً تلخ و یا روز دیگر کاملاً کمدی گذشت. زیست ما تلفیقی از تجربه این احساسات گاه‌متناقض است و زمانی که ما می‌خواهیم زندگی یک قهرمان را نمایش دهیم می‌توانیم از کمدی